

تصویر اقلیت‌های دینی در رسانه‌های یونان: نمونه‌ی پروتستان‌ها

فیلمن بان‌تیمارودیس

در پنجاه سال گذشته یونان شاهد پیشرفت‌های مهمی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است.^۱ پس از پیوستن یونان به اتحادیه‌ی اروپا در سال ۱۹۸۱ این کشور کمک‌های مالی چشمگیری را برای اصلاحات اساسی در بخش‌های صنعتی، زراعتی و خدمات عمومی دریافت کرد. هدف اصلی همه‌ی دولت‌های یونان نزدیک کردن استانداردهای زندگی در این کشور به دیگر کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا بوده اما موفقیت‌های به دست آمده، جزئی بوده است. در زمینه‌ی آزادی‌های مدنی و حقوق بشر، عملکرد یونان بهبود یافته است. برخلاف دهه‌ی ۱۹۶۰، شهروندان یونانی دیگر به علت باورهای سیاسی یا وابستگی‌های حزبی آزار نمی‌بینند. همه‌ی گروه‌های سیاسی، از راست افراطی تا چپ تندرو، آزادانه فعالیت می‌کنند و در مجلس یونان نماینده دارند. با وجود این، به رغم پیشرفت یونان در گسترش آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های دینی افزایش نیافته است. ناکامی چشمگیر در جدایی نهاد دین از نهاد حکومت و مداخله‌ی زیان‌بار کلیسای ارتدکس یونان در امور دولتی، این کشور را از هم‌تایان غربی‌اش متمایز می‌کند. کلیسای ارتدکس یونان، که براساس قانون اساسی این کشور، دین "رایج" به شمار می‌رود، بی‌تردید هنوز یکی از عناصر مهم هویت ملی/فرهنگی است؛ علت این امر را باید در گذشته‌ی فرهنگی این کلیسا و نیز نقش مهم آن در امور سیاسی داخلی و خارجی این کشور جست. افزون بر این، نباید نقش مهم وزارت آموزش و امور دینی یونان را نادیده گرفت زیرا این نهاد بر کل فعالیت‌های مرتبط با آموزش دینی عمومی و بر همه‌ی سازمان‌ها و گروه‌های دینی غیرارتدکس نظارت می‌کند.

هدف این مطالعه

این پژوهش به تحلیل پوشش رسانه‌ای یکی از اقلیت‌های دینی در یونان اختصاص دارد. روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی یونان، دروازه‌بانان اخبار دینی به شمار می‌روند. هرچند پیشتر برخی گفته‌اند که روزنامه‌نگاران یونانی، خواه به علت ناآگاهی از ادیان مختلف یا، در بعضی از موارد، بر اثر تعصب، همچون "نمایندگان" کلیسای ارتدکس یونان عمل می‌کنند اما برای ارزیابی نقش آنها در اطلاع‌رسانی عمومی درباره‌ی امور دینی هیچ مطالعه‌ی روشمندی انجام نشده است. افشاگری‌های جنجال‌انگیز اخیر درباره‌ی زدوبندهای برخی از روحانیون ارتدکس و بعضی از اعضای نظام قضائی یونان را نمی‌توان حاکی از دشمنی رسانه‌ها با کلیسای ارتدکس دانست. رسانه‌ها دین رسمی کشور را به چالش نمی‌طلبند.

برعکس، نوع پوشش رسانه‌ای اقلیت‌های دینی ممکن است به برداشت‌ها و استنباط‌های خاصی بینجامد و بر رفتار عامه‌ی مردم با پیروان دیگر ادیان تأثیر گذارد. افزون بر این، تحلیل پوشش رسانه‌ای اقلیت‌های دینی در

^۱ آنچه در ادامه می‌آید، برگردان و بازنویسی‌گزیده‌هایی از مقاله‌ی زیر است:

Philemon Bantimaroudis. (2007). Media Framing of Religious Minorities in Greece: The Case of the Protestants, *Journal of Media and Religion*, 6:3, 219-235.

یونان می‌تواند به فهم این امر کمک کند که کشورهای گوناگون در بالکان و دیگر نقاط جهان، که تجربه‌های جمعی فرهنگی مشابهی با یونان دارند، با جوامع دینی مختلفی که با اکثریت جامعه همزیستی دارند، چگونه رفتار می‌کنند. رسانه‌ها در ارائه‌ی اطلاعات و شکل دادن به افکار عمومی درباره‌ی ادیان متفاوت نقش بسیار مهمی دارند. تحلیل پوشش رسانه‌ای در مناطقی مثل بالکان، که از درگیری‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی آسیب دیده، می‌تواند به درک سهم رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی درباره‌ی اقلیت‌های دینی، از جمله پروتستان‌های تبشیری، کمک کند. در مطالعه‌ی فعلی، دلیل انتخاب پروتستان‌های تبشیری، حضور طولانی آنها در جامعه‌ی یونان و پوشش رسانه‌ای گسترده‌ی آنها در این کشور بوده است. اگر علاوه بر کلیسای ارتدکس و حکومت یونان، رسانه‌های این کشور هم فعالانه به ارائه‌ی اطلاعات نادرست درباره‌ی تکثر تجربه‌ی دینی بپردازند، در این صورت تأثیر مهمی بر انزوای جامعه‌ی یونان و افزایش نگرانی عمومی از برهم خوردن انسجام اجتماعی توسط اقلیت‌های دینی دارند.

تاریخ پروتستان‌های یونانی

جنبش پروتستان که بخش عمده‌ی اروپا را در قرن شانزدهم فراگرفت بر امپراتوری عثمانی و یونانی‌های تحت سلطه‌ی آنها تأثیر اندکی داشت. امپراتوری عثمانی و کلیسای ارتدکس شرقی هر دو با این جنبش مخالف بودند اما برخی از یونانیان نامدار از آرای مارتین لوتر، ژان کالون و اصلاح‌طلبان پروتستان متأثر شدند. مهاجران یونانی پراکنده در دیگر نقاط اروپا با جنبش پروتستان همدلی بیشتری داشتند زیرا منزوی و محصور به مرزهای امپراتوری عثمانی نبوده و از فشار جامعه برای هم‌رنگی با شعائر دینی اکثریت ارتدکس در امان بودند. برای مثال، می‌توان از اسقف اعظم کلیسای ارتدکس قسطنطنیه، کیریلس لوکاریس (۱۶۳۸-۱۵۷۲) نام برد که به علت تحصیل در اروپا از آموزه‌های متألهین پروتستان، به‌ویژه کالون، به شدت متأثر بود. اعتراف‌نامه‌ی او، که در کتابخانه‌ی دانشگاه ژنو در سوئیس نگهداری می‌شود، نشان می‌دهد که وی تقریباً به همه‌ی آموزه‌های پروتستان، از جمله اهمیت کتاب مقدس و رستگاری به لطف فیض الهی، عقیده داشت. او عهد جدید را به زبان یونانی مدرن ترجمه کرد و حامی چاپ کتب دینی مهم بود. با وجود این، روحانیون ارتدکس و کاتولیک به مخالفت با او برخاستند و سرانجام رهبران عثمانی را به اعدام او واداشتند.

به رغم کوشش‌های تعدادی از رهبران دینی مهم نظیر لوکاریس، نخبگان سیاسی و دینی حاکم بر یونان در برابر جنبش پروتستان مقاومت کردند. اما در قرن نوزدهم، فروپاشی تدریجی امپراتوری عثمانی، تلاش یونانیان مهاجر و همدلی روشنفکران غربی با استقلال‌طلبی یونانیان، دروازه‌های بالکان منزوی را به روی آرای غربی، از جمله اندیشه‌های پروتستانی، گشود. در نتیجه، تعدادی از رهبران دینی کلیسای ارتدکس شرقی به مخالفت علنی با استقلال‌طلبی یونانیان برخاستند زیرا می‌دانستند که کسب استقلال به کمک اروپائیان، یونانی‌ها را در معرض آرای آنها قرار خواهد داد، آرای که به نظر روحانیون عالی‌رتبه‌ی ارتدکس کفرآمیز بود. از سوی دیگر، بسیاری از روشنفکران یونانی مهاجر، که برخی از آنها از رهبران برجسته‌ی پروتستان در اروپا به شدت متأثر بودند، واکنش‌های تندی به این روحانیون نشان دادند. برای نمونه، آدامانتیوس گریس، یکی از روشنفکران نامدار یونانی که از دوستان اروپائی پروتستانش، به‌ویژه برنارد گن، کشیش کلیسای هلندی ازمیر، به شدت متأثر بود با

انتشار جزوه‌ای موسوم به "تعلیم برادرانه"، روحانیون ارتدکس را "مسیحیان فلاّبی بی‌ارزشی" خواند که نابودی ترک‌ها را معادل انهدام خود، و آزادی یونانیان را برابر با فلاکت خود می‌دانستند.

پس از جنگ استقلال، مبلغین دینی فراوانی از آمریکا و اروپای غربی به کشور تازه‌تأسیس یونان رفتند تا به "اصلاح" کلیسای ارتدکس کمک کنند. بی‌تردید، یوناس کینگ آمریکائی مهم‌ترین فرد در بین آنها بود. او که با کاپودیستریا (نخستین حاکم یونان پس از جنگ استقلال) و شماری از دیگر رهبران این کشور دوست بود، مشاور دولت یونان در امور آموزشی شد، چند مدرسه تأسیس کرد و به فعالیت‌های بشردوستانه پرداخت. اما وقتی به تبلیغ آئین پروتستان پرداخت، خشم روحانیون ارتدکس را برانگیخت. به رغم محاکمه، محکومیت، تکفیر و اخراج کینگ از کشور، شماری از یونانیان، از جمله پزشک جوانی به نام مایکل کالائتاکیس، جذب تعالیم وی شدند. در سال ۱۸۵۸، کالائتاکیس نخستین کلیسای تبشیری آتن را بنا نهاد و سرپرستی آن را برعهده گرفت. کلیساهای تبشیری دیگری هم در شهرهایی نظیر تسالونیک، کاترینی و پترا تأسیس شد.

نقش پروتستان‌ها در جامعه‌ی یونان

پروتستان‌های یونان، که به تبشیری‌ها معروفند، نقش مهمی در انسجام جامعه‌ی مدرن یونان داشته‌اند. پیش از جنگ استقلال، گروه‌های پروتستان خارجی و نخبگان یونانی پروتستان مقیم اروپا از نبرد با امپراتوری عثمانی حمایت کردند و خواهان تأسیس یونان مدرن به عنوان کشوری مستقل بودند. پروتستان‌های یونانی، با همکاری هم‌تایان غربی خود، نقش فعالی در ملت‌سازی داشتند و در ایجاد وحدت و انسجام ملی به روحانیون ارتدکس یاری رساندند. آنها به علت تأکید بر کلام مکتوب و اهمیت کتاب مقدس، با تأسیس مدارس، کتابخانه‌ها و چاپخانه‌ها به ترویج سوادآموزی همت گماشتند.

روابط با کلیسای ارتدکس یونان

کلیسای ارتدکس، پروتستان‌های یونانی را به رغم حضور سازنده‌ای که داشتند، تهدید مهمی به حساب می‌آورد. در نتیجه، روابط این دو کلیسا همواره پُر تنش بوده است. پروتستان‌های یونان را کارگزاران دنیای غرب در جامعه‌ی یونان می‌پندارند. علاوه بر آزار و اذیت‌گاه و بیگانه‌آنها به منظور جلوگیری از تبلیغ باورهای دینی خود، کلیسای ارتدکس کارزار گسترده‌ای را برای بی‌اعتبار کردن جنبش پروتستان در افکار عمومی به راه انداخته و برای دستیابی به این هدف از ابزاری همچون نگارش رديه، ایراد موعظه و مداخله‌ی مقام‌های دولتی بهره جُسته - برای مثال، پلیس اغلب به کشیش‌های پروتستان فشار می‌آورد تا آنها را از تبلیغ بازدارد. حمله‌ی مقام‌های دولتی به اقلیت‌های دینی، از جمله پروتستان‌ها، از زمان تأسیس کشور مدرن یونان در سال ۱۸۲۸ رایج بوده است. برای نمونه، در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۳، اسقف اعظم آتن و کل یونان با صدور بخشنامه‌ای خطاب به نیروهای مسلح و همه‌ی کلیساهای ارتدکس کشور "کارزار بدعت‌ستیزی" را شروع کرد و درباره‌ی "فعالیت‌های تبلیغی فتنه‌انگیز دست‌نشانندگان سازمان‌های چندملیتی، انجمن‌های پروتستان و ادیان شرقی" به آنها هشدار داد. مسئولان موظف بودند که طی هفت روز پس از صدور این بخشنامه، اطلاعاتی را درباره‌ی همه‌ی این گروه‌ها و "چگونگی رویارویی با این معضل" به دفتر اسقف اعظم بفرستند.

این رفتار ناشی از همزیستی کلیسای ارتدکس و حکومت یونان است. پیوند میان کلیسا و حکومت در سال ۱۹۳۸ به اوج خود رسید، یعنی زمانی که یانيس متاکساس، دیکتاتور وقت، قانونی را به نفع دین رایج وضع کرد. این قانون، که همچنان نافذ است، ممنوعیت تبلیغ دین، ضوابط خاص ساختن کلیساها و "عبادتگاه‌ها" و نظارت دولت بر همه‌ی گروه‌ها و سازمان‌های دینی غیرارتدکس را دربرمی‌گیرد. در دهه‌ی ۱۹۵۰، کلیسای تبشیری یونان موظف شد که فهرست اسامی، شماره‌ی تلفن و نشانی اعضایش را به دولت تحویل دهد. اسقف‌های ارتدکس می‌خواستند با چنین کارهایی خود را مدافع ملت در برابر نفوذ بیگانگان جلوه دهند.

به علت نفوذ فراوان کلیسای ارتدکس بر سیاست و سیاستمداران یونانی، هیچ دولتی در مشروعیت قانون متاکساس تردید نکرده است. در سال ۱۹۶۲، کشیش کلیسای تبشیری کاترینی را "عنصر نامطلوب" خواندند و او را به علت "موفقیت این کلیسا در جذب اعضا" از کشور اخراج کردند. پلیس او را به دریافت "مبالغ هنگفتی" از کنسولگری بریتانیا در تسالونیکي "برای انجام تبلیغات تبشیری در کاترینی" متهم کرد اما چنین سندی هرگز پیدا نشد. از سوی دیگر، براساس تحقیقات یک دیپلمات بریتانیایی، تبشیری‌های کاترینی جامعه‌ای الگو بودند و سازماندهی و همبستگی اجتماعی آنها چنان خوب بود که به ندرت یکی از اعضای این جامعه مزاحمتی برای دیگران ایجاد کرده بود.

به نظر حقوقدان برجسته‌ای به نام جُرج سْتیرلیس، موارد عمده‌ی نقض آزادی‌های دینی در یونان عبارتند از نقض حق شهروندان برای دسترسی به آموزش دینی آزاد، نقض حق شهروندان برای حفظ باورهای دینی خود، نقض حق شهروندان برای تبلیغ باورهای دینی خود، و نقض حق شهروندان برای ساختن کلیساها و "عبادتگاه‌ها" بدون کسب اجازه از کلیسای ارتدکس.

در سال ۱۹۹۹، نخست وزیر مترقی وقت، گُستاس سیمیتیس، با کلیسای ارتدکس درگیر شد چون می‌خواست ستون مذهب را از کارت‌های شناسایی پلیس حذف کند، همان ابزاری که برای تبعیض علیه پروتستان‌های یونان و دیگر شهروندان غیرارتدکس به کار می‌رفت تا آنها را از تصدی شغل‌های دولتی، به‌ویژه در پلیس و ارتش، بازدارد.

پیوستن یونان به اتحادیه‌ی اروپا به بعضی از اقلیت‌های دینی این کشور اجازه داد که با استیناف به دادگاه اروپائی حقوق بشر توجه اتحادیه‌ی اروپا را به نقض آزادی‌های دینی در یونان جلب کنند و از این اتحادیه یاری جویند. در نتیجه، شاهد پیشرفت‌هایی در عرصه‌ی آزادی‌های دینی بوده‌ایم اما تحولات عمده‌ای که به سازگاری قوانین یونان با اتحادیه‌ی اروپا، به‌ویژه درباره‌ی آموزش دینی، آزادی بیان، ترویج نظرات شخصی، و بنای کلیساها، بینجامد، رخ نداده است. گاه و بیگاه چنین استیناف‌هایی به سازمان‌های قضایی بین‌المللی را باعث تخریب وجهه‌ی دموکراتیک یونان در خارج از کشور شمرده‌اند و کلیساهایی را که برای حفظ حقوق مدنی به دادگاه اروپائی حقوق بشر متوسل شده‌اند به فقدان میهن‌پرستی متهم کرده‌اند.

چارچوب‌بندی رسانه‌ای^۲ ادیان

برای ارزیابی انتقادی پوشش ادیان در رسانه‌های یونان، الگوواره‌ی چارچوب‌بندی، ابزار نظری مفیدی را برای فهم روال‌های رسانه‌ای منتهی به‌گزینش محتوا فراهم می‌سازد. نظریه‌های مربوط به تعیین دستورکار^۳ و چارچوب‌بندی هر دو به درک سازوکارهای رسانه‌ها برای جلب توجه افکار عمومی به بعضی از مسائل کمک می‌کنند. این دو نظریه مکمل یکدیگرند زیرا شواهدی را درباره‌ی تأثیر دستورکارهای رسانه‌ای و طرز ارائه‌ی آنها بر شکل‌گیری افکار عمومی، نگرش‌های عمومی، و گاهی رفتارهای عمومی عرضه می‌کنند. پژوهشگران همگی بر این باورند که چارچوب‌بندی نوعی سوگیری است - نوعی فرایند‌گزینش و حذف. چارچوب‌ها:

سازمان‌دهنده‌اند: چارچوب‌بندی‌ها از نظر میزان موفقیت و جامعیت سازماندهی اطلاعات با یکدیگر تفاوت دارند؛

اصول‌مدارند: هر چارچوبی مبتنی بر اصلی انتزاعی است و با متونی که از طریق آن خود را آشکار می‌سازد، یکسان نیست؛

مشترکند: هر چارچوبی باید تا حدی مشترک باشد تا با معنی و انتقال‌پذیر باشد؛

ماندگارند: اهمیت چارچوب‌ها ناشی از دوام و ماندگاری آنها است؛

نمادینند: هر چارچوبی در صورت‌های نمادین بیان آشکار می‌شود؛

ساختارمندند: چارچوب‌ها با فراهم آوردن الگوهای ساختاری مشخص، که از نظر پیچیدگی با یکدیگر فرق دارند، سازماندهی می‌کنند.

پژوهشگران سازوکارهای متفاوت چارچوب‌بندی را که در پوشش رسانه‌ای دین به کار می‌روند، شناسایی کرده‌اند. به نظر بعضی از آنها، "چارچوب‌های رسانه‌ای، سازه‌های اجتماعی فرهنگی فراگیر و ماندگاری هستند که توسط متخصصین شکل گرفته‌اند، دیدگاه‌های نخبگان قوم‌محور و ملی‌گرا را ارائه می‌دهند و عمدتاً وضع موجود را تقویت می‌کنند". دین، یکی از عناصر مهم هویت اجتماعی و فرهنگی، موضوعی است که رسانه‌ها به آن علاقه دارند. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که دین مهم‌ترین جنبه‌ی هویت فرهنگی است و اغلب به سنگربندی و منازعه‌ی فرهنگی می‌انجامد. برای مثال، منازعات فرهنگی ناشی از اختلاف‌های دینی در شبه جزیره‌ی بالکان به ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای بر اساس شباهت‌های دینی انجامیده است. کشورهای مسلمان نظیر ترکیه و عربستان سعودی از بوسنیایی‌ها و آلبانیایی‌های کوزوو، که مسلمانند، حمایت می‌کنند. یونانی‌ها و روس‌های ارتدکس از صربستان پشتیبانی می‌کنند که کشوری ارتدکس است. چارچوب‌بندی برای دین در شبه جزیره‌ی بالکان، تصورات هویتی و حس تعلق فرهنگی را تقویت می‌کند. کلیساهای ملی و رسانه‌ها از جمله نهادهایی هستند که به ترویج هویت‌های دینی می‌پردازند و، در بسیاری از موارد، گفتمانی ملی‌گرایانه به کار می‌برند.

² media framing

³ agenda setting

پیروان ادیان اغلب از رسانه‌ها برای جاانداختنِ خوانش خود از هویت استفاده می‌کنند. تحقیقات اخیر نشان داده که رسانه‌ها را نباید صرفاً عامل اصلی تعیین دستورکار عمومی و چارچوب‌بندی مسائل عمومی دانست بلکه باید مجرای شمرد که از طریق آنها گروه‌هایی با جهان‌بینی‌های ناسازگار می‌کوشند تا دیدگاه خود را حاکم سازند. پوشش رسانه‌ای اقلیت‌های دینی در شبه جزیره‌ی بالکان را باید با توجه به صف‌آرایی‌های فرهنگی و طرز برخورد این جوامع با گروه‌های مختلفی که می‌کوشند از معیارهای فرهنگی دیرینه عدول کنند، بررسی کرد. بنابراین، چارچوب‌بندی رسانه‌ای فرایندی به شدت ایدئولوژیک است که نهادهای گوناگونی را در برمی‌گیرد که با رسانه‌ها تعامل دارند؛ این فرایند در ایجاد حس هویت و ترویج فرهنگی خاص به عنوان عامل انسجام و همسانی فرهنگی، نقش مهمی دارد.

پرسش‌های تحقیق

۱- رسانه‌های یونان تا چه حد مسائل مربوط به پروتستان‌های یونان را پوشش می‌دهند؟

۲- رسانه‌های یونان تا چه حد جنبش بین‌المللی پروتستان را پوشش می‌دهند؟

۳- لحن غالب در پوشش اخبار پروتستان‌ها چیست؟

۴- مهم‌ترین چارچوب‌های مرتبط با پروتستان‌های یونان کدامند؟

روش تحقیق

برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها به تحلیل کیفی محتوای دو روزنامه‌ی سراسری یونان پرداختیم. علت‌گزینش این دو منبع رسانه‌ای، توانایی آنها در تأثیرگذاری بر دستورکار رسانه‌های داخلی و شکل دادن به افکار عمومی در کشور است. این دو، رسانه‌های نخبه‌ای به شمار می‌روند که دیگر رسانه‌های ملی یا محلی، پوشش خبری آنها را تکرار می‌کنند. *الفتروتیپیا*^۴ به *تگپولس گرپریشن* تعلق دارد و صاحب امتیاز *تانیاه*^۵ سازمان لامبراکیس است. هر دو مالک، سازمان‌های تجاری مهمی هستند و سابقه‌ی مطبوعاتی طولانی‌ای دارند. بایگانی الکترونیکی این دو روزنامه در وبسایت آنها در دسترس است و همه‌ی محتوای لازم برای انجام این تحقیق را از این طریق جمع‌آوری کردیم.

نمونه

دلیل انتخاب *الفتروتیپیا* و *تانیاه* این است که دروازه‌بانان ملی خبر به شمار می‌روند. آنها از نخستین مطبوعاتی بودند که نسخه‌ی اینترنتی خود را ارائه کردند. برای جمع‌آوری محتوا سه واژه‌ی اصلی "پروتستان"، "تبشیری"^۶ و "مبلغین"^۷ را که در توصیف این گروه دینی خاص رواج دارد، به کار بردیم. جستجو در وبسایت‌های این دو

⁴ Eleftherotypia

⁵ Ta Nea

⁶ Evangelical

⁷ Evangelists

روزنامه به یافتن ۲۲۲ مقاله در کل، ۱۲۹ مقاله در *تانی* و ۹۳ مقاله در *الفتروتیپیا*، انجامید. در تحلیل محتوا، مقالات تکراری و مقالات شامل اشاره‌های گذرا به این گروه دینی را نادیده گرفتیم.

تحلیل چارچوب‌بندی رسانه‌ای

چون تنها متغیرهای مقیاس اسمی^۸ را در نظر گرفتیم، شمارش فراوانی و جدول‌بندی متقاطع^۹ برای مقایسه داده‌ها کافی بود. هر روزنامه را جداگانه تحلیل کردیم؛ اما هیچ تفاوت معناداری در الگوی پوشش نیافتیم. بنابراین، مجموعه داده‌های ۲۲۲ مقاله از هر دو روزنامه را به کار بردیم. برای جدول‌بندی متقاطع، آزمون‌های χ^2 را محاسبه کردیم تا معناداری آماری را ارزیابی کنیم. برای محاسبه‌ی پایایی^{۱۱} نمرات بین کدگذاران ۱۰ درصد از داده‌ها را با دو کدگذار مستقل، کدگذاری کردیم. پایایی کلی میان دو کدگذار ۰.۹۲ بود. شش متغیر مورد نظر عبارتند از: لحن نسبت به پروتستان‌های یونان (۰.۸۰)؛ دست‌نشانندگان غرب (۰.۹۲)؛ مروّجین سرمایه‌داری غربی (۰.۹۲)؛ بدعت‌گذاران (۰.۹۶)؛ میهن‌نادرستان (۰.۹۲)؛ و "مبلّغین" (۰.۹۹).

توصیف متغیرها

۱. لحن: این متغیر سه دسته دارد: "مثبت"، "منفی" و "بی‌طرف". لحن، به عنوان چارچوبی عاطفی، به موضع مقاله نسبت به پروتستان‌ها ربط دارد.

۲. دست‌نشانندگان غرب: این متغیر سه دسته دارد: "بله" (اگر تبشیری‌های یونان را همچون "دست‌نشانندگان غرب" ترسیم کرده‌اند)؛ "خیر" (اگر چنین اشاره‌ای وجود ندارد) و "ربط ندارد" (اگر مقاله به پروتستان‌های یونان ربط ندارد). سوگیری منفی گسترده‌ی جامعه‌ی یونان نسبت به پروتستان‌ها و دست‌نشانندگان فرهنگی، سیاسی و مالی غرب خواندن آنها ناشی از تلاش‌های روحانیون ارتدکس برای منزوی ساختن جامعه‌ی پروتستان یونان است. آنها حتی این تصور را به عامه‌ی مردم القاء کرده‌اند که پروتستان‌های یونان در ازای دریافت مبالغ هنگفتی از آمریکا هویت ملی و دینی خود را "فروخته‌اند". کدگذاران موظف بودند به کاربرد اصطلاح "دست‌نشانندگان"^{۱۲} و ربط دادنش به پروتستان‌های یونان توجه خاصی مبذول دارند. افزون بر این، هر اشاره‌ای به فروش هویت یا تقلیل یونانیت در دسته‌ی "بله" جا می‌گرفت.

۳. مروّجین سرمایه‌داری غربی: این متغیر سه دسته دارد: "بله" (اگر تبشیری‌های یونان را چنین ترسیم کرده‌اند)؛ "خیر" (اگر چنین اشاره‌ای وجود ندارد) و "ربط ندارد" (اگر مقاله به پروتستان‌های یونان ربط ندارد). اندیشمندان برجسته‌ی یونانی با استفاده از نظرات ماکس وبر درباره‌ی پیوند میان سرمایه‌داری و جنبش پروتستان، اغلب این دو پدیده را دو روی یک سکه خوانده‌اند. کدگذاران موظف به یافتن گزاره‌هایی بودند که

⁸ nominal scale

ساده‌ترین مقیاس برای سنجش کیفیت‌ها است که صرفاً بودن یا نبودن صفتی را می‌سنجد. به عبارت دیگر، اعضای جامعه‌ی آماری را تنها بر اساس داشتن یا نداشتن صفتی طبقه‌بندی می‌کند.

⁹ cross-tabulations

¹⁰ chi-square tests

¹¹ reliability

¹² agents

سرمایه‌داری و آئین پروتستان را به یکدیگر پیوند می‌داد یا پروتستان‌های یونانی را سرمایه‌دار می‌خواند. در چنین مواردی، گزینه‌ی "بله" انتخاب می‌شد.

۴. بدعت‌گذاران: این متغیر سه دسته دارد: "بله" (اگر تبشیری‌های یونان را چنین ترسیم کرده‌اند)؛ "خیر" (اگر چنین اشاره‌ای وجود ندارد) و "ربط ندارد" (اگر مقاله به پروتستان‌های یونان ربط ندارد). در متون دبیرستانی و در بحث‌های عمومی، تقریباً همه‌ی مسیحیان غیرارتدکس را بدعت‌گذار می‌خوانند. دروس دینی دبیرستان‌های دولتی به ندرت به ارزش تکثرگرایی دینی می‌پردازد. کُندگان ارتدکس موظف بودند در توصیف تبشیری‌های یونان دنبال اصطلاحات "بدعت‌گذار" و "بدعت‌گذاری" بگردند.

۵. میهن‌نادرستی: این متغیر سه دسته دارد: "بله" (اگر تبشیری‌های یونان را چنین ترسیم کرده‌اند)؛ "خیر" (اگر چنین اشاره‌ای وجود ندارد) و "ربط ندارد" (اگر مقاله به پروتستان‌های یونان ربط ندارد). به علت پیوند دادن دین با قومیت، اغلب می‌گویند پروتستان‌های یونانی کمتر از هم‌میهنان ارتدکس خود، یونانی هستند. چون پروتستان‌های یونانی باورهای دینی متفاوتی دارند، آنها را عامل تضعیف وحدت و انسجام ملی می‌دانند. کُندگان ارتدکس موظف به یافتن گزاره‌هایی بودند که تبشیری‌ها را میهن‌پرست می‌خواند. اصطلاح "میهن‌پرستی"^{۱۳} شاخص مهمی بود. هر اشاره‌ای به میهن‌پرستی کمتر در دسته‌ی "بله" جا می‌گرفت.

۶. مبلغین: این متغیر دو دسته دارد: "بله" (اگر تبشیری‌های یونان و دیگر کشورها را چنین توصیف کرده‌اند)؛ "خیر" (اگر چنین اشاره‌ای وجود ندارد یا این که تبشیری‌ها را پروتستان یا تبشیری خوانده‌اند). ناآگاهی گسترده درباره‌ی مسیحیان غیرارتدکس به ارائه‌ی توصیف‌های نادرست از پروتستان‌های یونان انجامیده است. یکی از رایج‌ترین اشتباه‌ها، "مبلغ" خواندن مسیحیان تبشیری است. کُندگان ارتدکس موظف به شمارش واژه‌ی "مبلغین" در توصیف تبشیری‌ها بودند. به کاربرد درست واژه‌ی "مبلغین" توجه خاصی نشان داده شد، از جمله در مورد نویسندگان اناجیل اربعه که در زبان یونانی به "چهار مبلغ" معروفند.

بحث درباره‌ی یافته‌ها

با جستجو در پایگانی الکترونیکی این دو روزنامه در بازه‌ی زمانی هفت ساله‌ی ۲۰۰۴-۱۹۹۷، ۲۲۲ مقاله‌ی مرتبط با این تحقیق را یافتیم. علاقه‌ی روزنامه‌ها به اقلیت‌های دینی در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۲ افزایش یافت، به طوری که نیمی از یافته‌های ما به این دوره‌ی سه ساله اختصاص دارد. می‌توان حدس زد که افزایش توجه ناشی از کشمکش میان دولت سیمیتیس و کلیسای ارتدکس بر سر حذف ستون مذهب از کارت‌های شناسایی نیروهای پلیس بوده است.

از میان این مقالات، ۱۲.۲ درصد به پروتستان‌های یونانی، ۲۲.۵ درصد به پروتستان‌های آمریکائی، ۳۸.۷ درصد به پروتستان‌های ایرلندی، ۱۲.۲ درصد به پروتستان‌های اروپائی به طور کلی، و ۱۴.۴ درصد به پروتستان‌های دیگر نقاط جهان اختصاص دارد. جستجوی واژه‌ی "ارتدکس" نشان داد که در همین مدت در این دو روزنامه، ۱۰۰۳ مقاله درباره‌ی کلیسای ارتدکس منتشر شده است. به عبارت دیگر، پوشش رسانه‌ای

¹³ patriotism

پروتستان‌ها حدود یک‌پنجم کلیسای ارتدکس بوده، در حالی که پروتستان‌ها کمتر از ۱ درصد از جمعیت یونان را تشکیل می‌دهند.

در رابطه با دومین پرسش تحقیق به پوشش گسترده‌ی اخبار پروتستان‌های آمریکائی و ایرلندی در این دو روزنامه‌ی یونانی پی‌بردیم. روزنامه‌های یونانی اغلب از اهمیت دین در سیاست آمریکا سخن می‌گویند. روزنامه‌نگاران یونانی به ارجاعات جُرج بوش به کتاب مقدس و ارتباط او با گروه‌های محافظه‌کار پروتستان علاقه دارند. درگیری در ایرلند هم اغلب به صورت جدال خشونت‌آمیزی میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها توصیف می‌شود که پروتستان‌ها مقصر اصلی آن به شمار می‌روند.

در مجموع، لحن این مقالات نسبت به پروتستان‌های یونانی و غیر یونانی منفی است. از میان ۲۲۲ مقاله، ۱۰۴ درصد لحنی مثبت، ۵۵ درصد لحنی منفی و ۴۳.۶ درصد لحنی بی‌طرف دارند. اکثر مقاله‌ها موضعی منفی نسبت به پروتستان‌های یونانی و غیر یونانی دارند. برای مثال، نویسنده‌ی یکی از مقاله‌ها همه‌ی پروتستان‌ها را نه تنها در مورد بمباران کوزوو توسط ناتو در سال ۱۹۹۳ بلکه در مورد فروش مرغ‌های بلژیکی آلوده به دایکسین در بازارهای اروپا مقصر می‌شمارد.

۲.۲ درصد از مقالات، پروتستان‌های یونان را "دست‌نشانندگان غرب" می‌خوانند، ۱۰.۴ درصد از مقالات به این امر اشاره نمی‌کنند و ۸۷.۴ درصد از آنها اصلاً از پروتستان‌های یونان سخن نمی‌گویند. از میان ۲۸ مقاله‌ای که صرفاً به پروتستان‌های یونان اختصاص دارد، ۱۷.۸ درصد از آنها تبشیری‌های یونان را "دست‌نشانندگان غرب" می‌خوانند. تنها ۱.۴ درصد از مقالات به پیوند سرمایه‌داری و پروتستان‌های یونان اشاره می‌کنند. اما در مورد متغیر "بدعت‌گذاری"، تصویر، اندکی متفاوت است. در حالی که ۸۶ درصد از مقالات به پروتستان‌های یونان ربط ندارد، ۸.۶ درصد از آنها پروتستان‌های یونان را "بدعت‌گذار" می‌خوانند و ۵.۴ درصد درین باب خاموشند. از میان ۳۱ مقاله‌ای که صرفاً به تبشیری‌های یونان و دیدگاه‌هایشان اختصاص دارد، ۶۱.۲ درصد آنها را "بدعت‌گذار" می‌خوانند و ۳۸.۸ درصد به این امر اشاره نمی‌کنند.

در مورد متغیر "میهن‌نادوستی"، اکثر مقالات (۸۶.۹ درصد) به پروتستان‌های یونان ربط ندارد، ۴.۵ درصد می‌گویند میهن‌پرستی تبشیری‌های یونانی از دیگر هموطنانشان کمتر است، و ۸.۶ درصد به این امر اشاره نمی‌کنند. از میان ۲۹ مقاله‌ای که صرفاً به پروتستان‌های یونانی اختصاص دارد، ۳۴.۵ درصد می‌گویند میهن‌پرستی تبشیری‌های یونانی کمتر است، در حالی که ۶۵.۵ درصد از مقالات درین خصوص چیزی نمی‌گویند. از میان این متغیرها، متغیر بدعت‌گذاری از بقیه مهم‌تر است و در بیش از نیمی از مقالات مربوط به پروتستان‌های یونانی به چشم می‌خورد.

سرانجام باید گفت که ۱۸.۵ درصد از مقالات، تبشیری‌های یونانی و غیر یونانی را به اشتباه "مبلّغین" می‌خوانند، در حالی که چنین توصیفی در ۷۹.۷ درصد از مقالات وجود ندارد. جالب این‌که پروتستان‌های آمریکائی را بیش از هر گروه پروتستان دیگری "مبلّغ" می‌خوانند (۱۲.۶ درصد از کل مقالات) در حالی که پروتستان‌های ایرلندی را صرفاً پروتستان (و نه حتی تبشیری) می‌نامند.

مؤخره

این مطالعه به فهم نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به اقلیت‌های دینی، به طور عام، و پروتستان‌های یونان، به طور خاص، کمک می‌کند. پوشش خبری گسترده‌ی پروتستان‌های یونانی و غیر یونانی در رسانه‌های یونان نشان می‌دهد که رسانه‌های این کشور به این گروه دینی توجه ویژه‌ای دارند و تصور می‌کنند که آنها نفوذ چشمگیری در عرصه‌های دینی و سیاسی یونان و جهان دارند. پروتستان‌های آمریکائی و ایرلندی بیشترین سهم از پوشش خبری پروتستان‌ها را به خود اختصاص می‌دهند (۶۱.۲ درصد). بی‌تردید، پروتستان‌ها در امور سیاسی آمریکا و ایرلند نقش مهمی دارند. در ایرلند، پروتستان‌ها سال‌ها گرفتار منازعه‌ای سیاسی/دینی بوده‌اند و به تروریسم هم متوسل شده‌اند. در آمریکا، جُرج بوش نه تنها با گروه‌های محافظه‌کار پروتستان ارتباط دارد، که بر سیاست‌های داخلی و خارجی او تأثیر می‌گذارند، بلکه با استناد به کتاب مقدس، جنگی بین‌المللی علیه تروریسم به راه انداخته است.

لحن روزنامه‌ها نسبت به پروتستان‌ها عمدتاً منفی است. با توجه به نگرش‌های رایج در جامعه‌ی یونان، این امر عجیب نیست. به نظر می‌رسد که رسانه‌های یونان در برخورد با تبشیری‌ها موضعی مشابه دیگر نهادهای این کشور، از جمله کلیسای ارتدکس، دارند. تعیین میزان همزیستی رسانه‌های یونان و کلیسای ارتدکس محتاج تحقیقات بیشتری درباره‌ی روش‌های دروازه‌بانی اخبار دینی و کمیّت و کیفیت کمک‌های اطلاعاتی کلیسای ارتدکس به رسانه‌های این کشور است.

در مورد باورهای رایج درباره‌ی هویت تبشیری‌های یونان و نقش آنها در جامعه، سه خصیصه‌ی اصلی را یافتیم: بدعت‌گذاری، دست‌نشانگی غرب و میهن‌نادرستی. در مورد ترویج سرمایه‌داری، شواهد محکمی پیدا نکردیم. به نظر می‌رسد که رسانه‌ها با تأکید بر دیدگاه‌های رایج، همان ایدئولوژی غالب را بازگو می‌کنند که بر اساس آن، یونانی‌هایی که دینی غیر از دین رسمی را برگزینند نه تنها از نظر دینی، بدعت‌گذار به شمار می‌روند بلکه از نظر قومی هم متفاوت- دست‌نشانده‌ی غرب و میهن‌نادرست- محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که رسانه‌های یونان ایدئولوژی رایج در جامعه را ترویج می‌کنند که بر اساس آن، یونانی "اصیل"، پیرو کلیسای ارتدکس یونان است. سرانجام، شواهد محکمی دال بر تحریف زبان‌شناختی واژه‌ی "تبشیری" به "مبلغ" یافتیم.

چارچوب‌بندی رسانه‌ای توصیف شده در این مقاله ثمره‌ی ایدئولوژی دینی حاکم در یونان است. نظام آموزشی دینی یونان تعالیمی را آموزش می‌دهد که بر اساس آن هر دینی غیر از آئین ارتدکس، بدعت به شمار می‌رود. روزنامه‌نگاران یونانی در معرض چنین تعالیمی بوده‌اند، تعالیمی که به نگرش آنها شکل داده است. اما چنین رهیافت یک‌سویه‌ای به آموزش دینی به نفع هیچ نهادی، از جمله کلیسای ارتدکس یونان، نیست. اصلاحات اخیر در متون درسی دبستانی و دبیرستانی گامی در مسیر درست است. افزون بر این، بسیاری از اندیشمندان یونانی عقیده دارند که رسانه‌های یونانی باید به فهم دیدگاه‌های گوناگون کمک کنند، اقدامی که به همزیستی صلح‌آمیز ادیان مختلف می‌انجامد. علاوه بر این، باید از منظر بینارشته‌ای و بین‌المللی، عامه‌ی مردم یونان را از ادیان دنیا آگاه کرد. روزنامه‌نگارانی که اخبار دینی را پوشش می‌دهند باید مسائل دینی را به اندازه‌ی لازم بشناسند تا از تعمیم‌های ساده‌انگارانه و توصیف‌های نامطلوب بپرهیزند.

در پایان باید به محدودیت‌های این پژوهش اشاره کرد. دسترسی به محتوای رسانه‌ها محدود بوده زیرا تعداد بسیار اندکی از روزنامه‌های یونان از بایگانی الکترونیک و موتورهای جستجوی پیشرفته بهره می‌برند. تحقیق درباره‌ی شمار زیادی از رسانه‌ها می‌تواند از نظر داده‌های کمی و کیفی، تصویر جامعی از اقلیت‌های دینی، و نه تنها پروتستان‌ها، ارائه دهد. مطالعات بعدی باید رسانه‌های چاپی و الکترونیک، به‌ویژه تلویزیون را که مهم‌ترین دروازه‌بان خبر است و نفوذ شدیدی بر مردم دارد، دربرگیرد. تحلیل پیام‌های رسانه‌ای می‌تواند به تجدیدنظر لازم در رفتار با "دیگری" و افزایش درک و رواداری کمک کند.

بازنویسی و برگردان: عرفان ثابتی